

نوسازی شهری در مازندران در عصر پهلوی اول

ملیحه صادقی^۱

چکیده

از مهم‌ترین اقداماتی که در راستای سیاست‌های مدرنیزاسیون از سوی دولت پهلوی اول در ایران صورت گرفت، ساماندهی و تاسیس بلدیه و سپس نوسازی در وضعیت شهرها و بهبود وضعیت بهداشتی بود. مازندران، به علت همجواری با دریا و شرایط خاص اقلیمی، همواره در معرض مخاطرات ناشی از این وضعیت بود و طغیان آب، بیماری‌های مختلف، و گل و لای معابر و عدم نظافت آنها، موجب بروز مشکلاتی برای مردم این منطقه می‌گردید. با مطالعه گذشته می‌توان گفت، اقدام تاثیرگذار مستمری برای رفع این معضلات در مازندران صورت نگرفت. در دوران جدید و به‌خصوص از عصر رضاشاه که داعیه نوسازی و تمرکزخواهی دولتی داشت، همزمان با ورود تکنولوژی و دانش غربی نیز، بهبود نسبی این مشکلات فراهم شد. مطابق اسناد و گزارش‌های برجای مانده، رعیت کهن جای خود را به مردمی سپرد که از دولت برای امور فوق‌الذکر درخواست یاری داشت و تا حدودی نیز در موارد گفته شده به‌ویژه در عرصه بهداشت و درمان با بهبود نسبی روبرو شد. باید گفت اختصاص قسمت قابل توجهی از بودجه - کشور به امور نظامی و صنعتی در دوره رضاشاه، نوسازی سایر نهادها و بخش‌های کشور، به‌ویژه قسمت سلامت را با بودجه کمی روبرو کرد، که تکافوی تقاضا و رفع مشکلات موجود را در استان‌های مختلف از جمله مازندران را نمی‌داد.

واژگان کلیدی: بلدیه، آبله کوبی، (اداره) صحیه، مریض‌خانه، بهداشت شهری، مازندران.

Urban Modernization of Mazandaran at the Era of the First Pahlavi

Malihe sadeghi²

Abstract

One of the most important measures taken for modernization at the era of the First Pahlavi King was the establishment of municipalities (Baladiyah) and the reconstruction of cities as well as reformations in the sanitary and health conditions. Mazandaran geographical state, with its proximity to the lake and its special climactic situations had always made it prone to difficulties arising from them, and people were constantly afflicted by such problems as water overflow, different diseases and mud and mire on the passages of this area. Iran's history had hardly observed any effective attempt to work out these problems; however, with Western science and technology coming forth at modern times and especially Reza Shah's era, the grounds were set for the improvement of the situation. According to official documents and reports, the early peasant population was replaced with sahir people that requested different sorts of organization for their regions, and, as a result, some prominent and important changes took place in Mazandaran at the First Pahlavi King's time, not to mention that some were only at the superficial levels.

Key words: Baladiyah (municipality), vaccination, Office of Sahiyeh (health center), hospital, urban hygiene, Mazandarn.

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد تاریخ دانشگاه شهید بهشتی.

2. MA Student of the History, Shahid Beheshti University. EMail: M.sadeghi1388@yahoo.com

مقدمه

دربارهٔ بروز بیماری در مازندران، منابع و سفرنامه‌های زیادی مطالبی نوشته‌اند که تا عصر - حکومت پهلوی همچنان از میان اهالی آن سامان قربانی می‌گرفتند. بسیاری از شاهان و سپاهیان ایران نیز در برابر این بیماری‌ها، با مشکلاتی مواجه شده بودند. شاه عباس زمانی که به قصد گرجستان وارد مازندران شد، «بیماری عارض ذات اشرف شد» اما سرانجام از آن رهایی یافت.^۳ همچنین وی در سفر دیگری، از «عفونت هوا و اشتداد گرما و تأثیر افلاک و انجم» دچار بیماری «عظیم» شد و دچار «تب آتشین» گردید و زمانی هم که به بیلاق فرح آباد وارد شد، «در هوای بیلاق بیماری در میانه اهل اردو اشتداد یافته جمعی کثیر از خواص و عوام پهلوی بر بستر ناتوانی نهادند کمتر کسی صحیح و سالم بود بسیاری از عوام الناس و برخی از خواص راه عدم پیمودند چند نفر از مشاهیر که رخت بسرای عاقبت کشیدند.»^۴ مطابق اظهارات یک سیاح، فصل تابستان مازندران، به علت بخاری که از باتلاق‌ها متصاعد می‌شد، گرم بود و به همین دلیل هم هوای آن چندان سالم و سازگار نبود و اغلب سکنه بومی به بیماری «تب نوبه» مبتلا می‌شدند و اغلب مردم این استان «رنگ‌پریده و زردانبو» به‌نظر می‌رسیدند.^۵ همچنین در دوره قاجار، زمانی که «عضدالملک» برای تدارکات ورود شاه به مازندران اعزام شد، «خود و آدم‌هایش مبتلا به تب و نوبه سخت شده حتی چند نفر هم از همراهان او مرده بودند. حکیم دولتی میرزا زین العابدین که همراه عضدالملک روانه گردیده او هم مبتلا به نوبه شده بود.»^۶

زمانی هم که «طهماسب دوم» پس از نبرد با اشرف افغان به مازندران گریخت، در آنجا بیماری طاعون شیوع یافته بود و به اندازه‌ای از سپاهیان طهماسب در اثر آن کشته شدند که بعد از پایان آن بیماری، اندکی از همراهانش به جای نمانده بودند.^۷ علاوه بر تب و طاعون، بیماری

۳. میرزا محمد طاهر وحید قزوینی، *تاریخ جهان‌آرای عباسی*، به کوشش سید سعید میر محمد صادق (تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۳)، ص ۲۰۱.

۴. اسکندریبگ ترکمان، *تاریخ عالم‌آرای عباسی*، ج ۳، زیر نظر ایرج افشار (تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۲)، ص ۹۵۴.

۵. یوداش تادیوش کروسینسکی، *ده سفرنامه*، ترجمه مهربام امیری (تهران: انتشارات وحید، ۱۳۶۹)، ص ۳۵۱.

۶. ناصرالدین‌شاه قاجار، *روزنامه سفر مازندران*، به کوشش ایرج افشار (تهران: انتشارات فرهنگ ایران زمین، ۲۵۳۶)، ص ۱۰۵، ۱۰۶.

۷. لارنس لاکهارت، *انقراض سلسله صفویه*، ترجمه اسماعیل دولتشاهی (تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳)، ص

وبا که به علت آلوده بودن آب ایجاد می شد - مازندران به علت وفور آب‌های سطحی مستعد این بیماری بود - ، همواره بروز می یافت. مرعشی، روایتی کهن از سابقه این بیماری در ولایت خویش دارد؛ او گزارش می‌دهد زمانی که در آمل وبا «در افتاد»، بسیاری از آل باوند و خانواده ملک فخرالدوله به علت این بیماری مردند، «چنانکه او با دو نفر کودک - که پسر او بودند - تنها بماند!»^۸ در دوران قاجار نیز مانند دوران قبل، مازندران همواره دچار وبا بود.^۹ در سال ۱۰۹۸ ق، نیز اشاره می‌گردد که «بروز طاعون و وبا در مازندران و استراباد و آن حوالی بهم رسیده خدا حفظ کند اطراف بلاد شیعیان را بجاه محمد و آله.»^{۱۰}

یک انسان‌شناس، میزان متوفیات اطفال در این منطقه را به علت بیماری، در حدود ۶۵ درصد تخمین زده و از فراوانی آبله می‌گوید.^{۱۱} در اوایل قرن ۱۴ ش، روزنامه *ایران* نیز همچنان از تداوم بیماری آبله گزارش می‌داد.^{۱۲} حاکم مازندران نیز در همین هنگام، اطلاع داد که این بیماری در همه نقاط مازندران شایع شده و پانصد سرم آبله‌ای که فرستاده شده بود کفاف نمی‌دهد؛ وی تقاضا نمود «عاجلاً به مجلس حفظ الصحه دولتی دستور داده شود به اسرع وقت پنج هزار سرم آبله ارسال دارند.»^{۱۳} همچنین حکمران مازندران اطلاع داد که برای پیش‌گیری بیماری‌های مسری، صحیه مازندران نیازمند اقدامات فوری است و این موضوع با نرسیدن حقوق یکساله کارمندان این اداره مشکل‌افزا شده است. وی تلویحاً خواست که با پرداخت حقوق معوقه کارکنان اداره صحیه مازندران، فعالیت این اداره برای پیش‌گیری از امراض مسری آغاز شود.

-
۸. سید ظهیرالدین مرعشی، *تاریخ طبرستان و رویان و مازندران*، به کوشش محمدحسین تسبیحی (تهران: مؤسسه مطبوعاتی شرق، ۱۳۴۵)، ص ۱۲۰.
۹. محمدحسن خان اعتماد السلطنه، *تاریخ منتظم ناصری*، به کوشش محمد اسماعیل رضوانی، ج ۳ (تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۷)، ص ۱۷۴۷؛ قهرمان میرزا سالور، *روزنامه خاطرات عین السلطنه*، به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار، ج ۱ (تهران: اساطیر، ۱۳۷۴)، ص ۴۸۲. «مگر بروز وبا در شهر شیراز و انزلی و بعضی محال آذربایجان و مازندران که خدا عاقبت آن را به خیر بگذراند.» عین السلطنه، ج ۷، ص ۵۱۷۱.
۱۰. سید عبدالحسین الحسینی خاتون آبادی، *وقایع السنین و الاعوام*، به تصحیح محمدباقر بهبودی (تهران: کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۵۲)، ص ۵۴۳.
۱۱. هنری فیلد، *مردم‌شناسی ایران*، به نقل از: مرتضی راوندی، *تاریخ اجتماعی ایران*، ج ۳ (تهران: نگاه، ۱۳۸۲)، ص ۷.
۱۲. *روزنامه ایران*، ۱۰ / ۱ / ۱۳۰۰، ص ۱، به نقل از: حسن فراهانی، *روزنامه تاریخ معاصر ایران*، ج ۱ (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۵)، ص ۷۹.
۱۳. *روزنامه اتحاد*، شماره ۳۰۱، سال ۱۳۰۱ ش، ص ۳. به نقل از: فراهانی، ج ۲، ص ۷۰۹ و ۷۱۰.

«درج این خبر در روزنامه *ایران* در حالی صورت گرفت که کنار آن این مصوبه به چشم می‌خورد: هیأت وزرا تصویب نموده‌اند که مبلغ پانصد تومان از وزارت مالیه به اداره کلوپ شاهنشاهی برای مخارج اسب‌دوانی پرداخته شود!!»^{۱۴}

همچنین بروز بیماری‌های دیگری مانند مالاریا گزارش شده است. زمانی که شاه عباس، کشاورزان را به مازندران «بهشت‌آیین» اعزام کرد، مهاجران مزبور در این نواحی، از قحطی و مالاریا و هوای مرطوب گرمسیری، که بدان خو نگرفته بودند، جان می‌سپردند.^{۱۵} هانوی می‌گوید که تمام موجودات جاندار منطقه مازندران به یک نوع بیماری دردآوری مبتلا شدند؛ تنها پیره‌زن‌ها و قاطرها و مرغ و خروس‌ها از ابتلاء به این بیماری مصونیت داشتند.^{۱۶}

همچنین از مشکلات دیگری که همواره از جمله مشکلات شهری مازندران بود و در گذشته نیز به وفور دیده می‌شد و موجب بروز بیماری‌ها هم می‌گردید، وضعیت نامناسبی بود که در پی بارش باران در آنجا رخ می‌داد و موجب گل و لای در معابر و شوارع می‌شد و وضعیت غیر بهداشتی و بیماری‌زا ایجاد می‌کرد. اولین اقدامات جدی برای تعمیر این معابر توسط شاه عباس صورت گرفته بود و در پی اقدامات او که معابر را «فرش سنگ» نمود، مورخی گزارش داد که «الحال آن بلده به نوعی است که اگر تمام عمر باران روان باشد در راه و کوچه و بازار آن بلده اصلا از گل و لای اثری ظاهر نمی‌گردد.»^{۱۷} با این حال، چنین اقداماتی پابرجا نماند. چنانچه ناصرالدین شاه هم اقداماتی در ترمیم این معابر انجام داد و «حسب الامر الاعلی همه‌جا به کوهکنی و کتل شکافی و جنگل‌تراشی و سنگ‌چینی و خاکریزی و پل‌سازی و توسعه طریق و رفع مضیق و جمیع تکالیف تسطیح و تسویه و تسهیل و تصفیه اشتغال همی رفت.»^{۱۸} سایکس

۱۴. فراهانی، ج ۲، ص ۲۰۷.

۱۵. راوندی، ج ۲، ص ۴۰.

۱۶. کروسینسکی، ص ۳۵۱.

۱۷. میرزا بیگ جنابدی، *روضه الصفویه*، به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد (تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود

افشار، ۱۳۷۸)، ص ۸۴۱.

۱۸. *چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه*، ج ۱، به کوشش ایرج افشار، تعلیقات حسین محبوبی

اردکانی (تهران: اساطیر، ۱۳۷۴)، ص ۱۰۲.

که مازندران را «سرزمین گل و لای» می نامد، از سنگفرش جاده مازندران در دوران کهن می نویسد، «هرچند که آنچه من در نزدیکی استرآباد (گرگان) دیده‌ام محتاج به تعمیر می‌باشد.»^{۱۹}

اقدامات بلدیه در مازندران

در زمان مظفردالدین‌شاه برای نخستین بار تشکیلاتی به نام «بلدیه» تأسیس گردید و در حقیقت همان «سازمان احتسابیه» بود.^{۲۰} پس از استقرار مشروطیت در دوره اول مجلس شورای ملی، اقداماتی در این باره صورت گرفت که در نتیجه، «کتابچه قانون بلدیه» در سال ۱۲۸۶ش، مشتمل بر ۱۰۸ ماده تنظیم شد که زمینه قانونی مناسب برای اجرای اصلاحات شهری و نیز تأسیس اداره بلدیه را فراهم کرد.^{۲۱} اما این تلاش نیز همانند بسیاری از دیگر تلاش‌هایی که در آن سال‌ها برای اصلاحات اساسی در کشور مبذول شد، به نتیجه‌ای شایسته نرسید، چراکه مداخلات خارجی پی در پی و اغتشاش‌های داخلی مکرر، فرصت و فراغتی برای اجرای اینگونه اصلاحات برجای نگذاشت.^{۲۲} با روی کار آمدن رضاشاه، تمرکزگرایی دولت و گسترش حوزه اقتدار آن، با علاقه بیشتری دنبال شد و از همین رو، دولت در ۳۰ اردیبهشت ۱۳۰۹، قانون جدیدی برای تشکیلات بلدیه تصویب کرد و نظام‌نامه‌ی انجمن‌های بلدی، به‌طوری تدوین شد که دست دولت در نحوه اداره‌ی آن باز بود؛ چنانکه نحوه‌ی انتخاب اعضای انجمن بلدیه به صورت دو مرحله‌ای بود؛ در مرحله اول، مردم تعدادی را به‌عنوان اعضای انجمن بلدیه انتخاب می‌کردند. در مرحله دوم، ریاست بلدیه را نیز وزارت داخله تعیین می‌کرد.^{۲۳}

یکی از اقدامات حکومت پهلوی اول، سازماندهی وضعیت بلدیه‌ها^{۲۴} و برقراری آن در شهرهای مازندران بود که در پی ایجاد شبکه حمل و نقل و خطوط ارتباطی، تأسیس کارخانه‌ها، و برقراری تاسیسات جدیدی همچون هتل‌ها و کازینوها در برخی شهرها، همراه با جذب جمعیت

۱۹. سرپرسی سایکس، *تاریخ ایران*، ج ۲، ترجمه سید محمدتقی فخر داعی گیلانی (تهران: افسون، ۱۳۸۰)،

ص ۲۵۷.

۲۰. حسین محبوبی اردکانی، *تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران*، ج ۲ (تهران: دانشگاه تهران، ۲۵۳۷)، ص ۳۴.

۲۱. موسی عبادی، *شهرداران عصر ناصری تا دولت خاتمی* (بی‌جا: نشر خرم، ۱۳۸۷)، ص ۲۵.

۲۲. *سالنامه رسمی مملکتی* (تهران: مؤسسه علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸)، ص ۱۸۴.

۲۳. محسن معتمدی، *جغرافیای تاریخی تهران* (تهران: نشر دانشگاهی، ۱۳۸۵)، ص ۵۹۳.

۲۴. تصویب قانون بلدیه و تغییر نام بلدیه به شهرداری در سال ۱۳۰۹ صورت گرفت. (سید محسن حبیبی، *از شار*

تا شهر (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۴)، ص ۲۱۲).

افتتاح شد، اما تاسیس شتابان آن در همه شهرهای مازندران، همانند عملکرد حکومت در برخی - از زمینه‌های نوسازی، با شتاب پیگیری نشد. گزارش‌ها حاکی از آن است که با گذشت سه سال از آغاز حکومت پهلوی، بسیاری از شهرهای استان، همچنان از داشتن بلدیه محروم بودند. همراه با شکایت مکرر اهالی شهرهای مختلف، برقراری بلدیه‌ها در دستور کار قرار گرفت و به تدریج در شهرهای مختلف آمل، بارفروش، ساری، اشرف،^{۲۵} شاهی،^{۲۶} فیروزکوه، رامسر و بابلس افتتاح شدند.^{۲۷} در ۲۷ فروردین سال ۱۳۰۸، محمدرضا پهلوی ولیعهد شاه، در سفری که به بارفروش داشت در حضور رؤسای ادارات دولتی و تجار این شهر، سنگ بنای تاسیس بلدیه را در شهر نصب کرد.^{۲۸} مهندس ساختمان بلدیۀ بارفروش، سرداراف مهندس روسی بود.^{۲۹} کار ساختمان بلدیه در بارفروش در دهه ۱۳۱۰ش به پایان رسید.^{۳۰} درخواست برای تاسیس بلدیه در این شهر به سال ۱۳۰۴ش برمی‌گشت که حاکم مازندران در صدد تاسیس آن در بارفروش برآمده بود.^{۳۱}

تا قبل از حکومت شبه‌مدرن پهلوی، خیابان‌ها و رودخانه‌های شهرها که آب مورد نیاز برای انجام فعالیت کشاورزی و آشامیدنی مردم و دام‌هایشان را تامین می‌کرد، به دلیل رعایت نشدن وضعیت بهداشتی، آلوده به انواع بیماری‌ها بودند. بنابراین، از مهم‌ترین گام‌هایی که بلدیه‌ها باید در راه حفظ بهداشت عمومی برمی‌داشتند، توجه به نظافت و بهداشت معابر بود که روزانه مورد استفاده اهالی مازندران قرار می‌گرفت. عدم وجود بهداشت، از مهم‌ترین موضوعات شکایات اهالی مازندران درباره لزوم برقراری بلدیه در شهرها بود. چنان‌که در خرداد ماه سال ۱۳۰۶، جمعی از اهالی فیروزکوه با اشاره به جمعیت بیست هزار نفری این شهر به وضعیت نامناسب بلدیه در این شهر تاکید کرده و با اشاره به اینکه کوچه‌های شهر تبدیل به «مزبله‌دان» شده،

۲۵. دو سفرنامه از نیما یوشیج، به اهتمام علی میر انصاری (تهران: سازمان اسناد ملی، پژوهشکده اسناد، ۱۳۷۹)،

ص ۱۳۶.

۲۶. اطلاعات، سال ۱۰، شماره ۲۳۷۶، پنج شنبه چهاردهم دی ماه ۱۳۱۳، ص ۳.

۲۷. شفق سرخ، سال ۷، شماره ۱۰۸۵، یک‌شنبه سوم آبان ماه سال ۱۳۰۷، ص ۲.

۲۸. اطلاعات، سال ۳، شماره ۷۳۴، پانزدهم فروردین ۱۳۰۸، ص ۳؛ عطاری کرمانی، عباس، تاریخ شهرهای ایران

(تهران: الیسم، ۱۳۸۶) ص ۶۲۱.

۲۹. اطلاعات، سال ۳، شماره ۷۸۸، بیست و دوم خرداد ۱۳۰۸، ص ۲.

۳۰. همان، سال ۹، شماره ۲۲۹۰، شنبه بیست و چهارم شهریور ماه ۱۳۱۳، ص ۳.

۳۱. شفق سرخ، سال ۴، شماره ۴۳۵، یک‌شنبه بیست اردیبهشت ماه ۱۳۰۴، ص ۲.

خواستار تاسیس بلدیة در آن شدند.^{۳۲} شکایت اهالی فیروزکوه می‌تواند بیان‌کننده این واقعیت باشد که حکومت وقت با وجود معرفی این منطقه روستایی به یک منطقه شهری، عملاً از ایجاد و تعریف نهادها و موسسات دولتی برای آن ناتوان بوده است. همچنین توجه ویژه رضاشاه به امور نظامی و اختصاص بودجه اعظم کشور به آن سبب گردید که سایر نهادهای دولتی برای انجام وظایف خود با کمبود اعتبار روبرو شوند. فقدان بودجه کافی برای انجام عملیات نظافت معابر و خیابان‌های عمومی، سبب شده بود که بلدیة از انجام اقدامات موثر بازماند که نارضایتی شدید مردم را در پی داشت. مانند اهالی آمل که در مرداد ۱۳۰۸، از کمبود بودجه بلدیة شهر که توانایی پاکسازی همه خیابان‌های شهر را نداشت، شکایت کردند.^{۳۳} این در حالی بود که در طول سال ۱۳۰۵، بلدیة آمل به دلیل نداشتن بودجه تعطیل شده بود.^{۳۴} این مشکلات، به اعتراض دست‌اندرکاران امور مازندران نیز منجر شد که از وزارت مالیه درخواست کردند، بودجه بلدیةها را افزایش دهند و حتی عنوان کرده بود در صورت عدم همکاری با ایشان در این زمینه، شعبات بلدیة در استان را تعطیل خواهد کرد. اما در مقابل این اعتراض، اداره مالیه این پرداخت را با اجازه خزانه‌داری کل امکان‌پذیر دانست.^{۳۵} جمعی از اهالی مشهدسر نیز در سال ۱۳۰۵، در نامه‌ای به مجلس شورای ملی، خواستار رسیدگی به امور بلدی آنجا شدند. آنان از آلودگی‌های این بندر که گل و لای ناشی از آن باعث ایجاد مشکلات برای رفت و آمد اهالی در روزهای بارانی می‌شد، شاکی بودند.^{۳۶}

از جمله درآمدهای دریافتی دولت پهلوی از محل درآمدهای بلدیةها، عواید حاصل از عوارض «قپان‌داری»^{۳۷} که از سال ۱۳۱۱ وضع شد، و همچنین مالیات بر محصولات مصرفی که به شهرها وارد می‌شد، بود. عواید حاصل از کوره‌پزخانه‌ها، مشروبات الکلی مانند شراب، آب-

۳۲. همان، سال ۶ شماره ۷۵۰، جمعه پنجم خرداد ماه سال ۱۳۰۶، ص ۲؛ *اطلاعات*، سال ۴، شماره ۸۰۲.

سیزدهم تیرماه ۱۳۰۸، ص ۲.

۳۳. همان، سال ۵، شماره ۱۰۱۵، دوازدهم شهریور ماه ۱۳۰۹، ص ۲.

۳۴. همان، سال ۵، شماره ۵۱۱، جمعه سی ام اردیبهشت ماه ۱۳۰۵، ص ۲.

۳۵. همان، سال ۳، شماره ۷۲۲، چهارشنبه بیستم فروردین ماه ۱۳۰۹، ص ۲.

۳۶. مصطفی نوری، *اسناد مازندران در دوره رضا شاه/مجلس ششم تا دوازدهم شورای ملی* (تهران: کتابخانه،

موزه و مرکز اسناد مجلس شورای ملی، ۱۳۸۹)، ص ۴۹، سند ۲/۱.

۳۷. *اتاق تجارت*، سال ۴، شماره ۵۷، اول اسفند ماه ۱۳۱۱، ص ۲۰.

جو، و مسافرخانه‌ها، مستغلات، کشتارگاه‌ها و تاسیس سینما و عوارض دریافتی مسافرت با اتوبوس، از جمله درآمدهای بلدی‌ها را تشکیل می‌داد.^{۳۸}

از موضوعات مشترکی که بلدی‌ها در شهرهای استان با توجه به بودجه اختصاصی، می‌بایستی به اجرای آن اقدام کنند، برقراری جشن‌های ملی همچون جشن‌های مربوط به سالگرد تولد رضاشاه و ولی‌عهد، و تاسیس سلسله پهلوی^{۳۹} بود. همچنین ایجاد مریض‌خانه‌ها،^{۴۰} پاکسازی و بهداشت عمومی در معابر شهرها و رودخانه‌ها، تلاش برای رفع بیماری «گاوگیری»^{۴۱} برقراری «دارالعجزه و دارالایتام»، ساختمان‌سازی از قبیل راه‌سازی در بین شهرها و تسطیح معابر^{۴۲} در درون خود شهرها و ایجاد ساختمان‌های جدید دولتی و تامین روشنایی بود.^{۴۳} از اقداماتی که در سال ۱۳۰۹ توسط بلدیة بارفروش انجام شد، این بود که در جریان پیشرفت عملیات راه‌سازی در این شهر، آن دسته از دام‌های بی‌صاحب مانند گاو را که در خیابان‌های شهر پرسه می‌زدند را جمع‌آوری و ذبح نمود.^{۴۴}

اقدامات اداره صحیه (بهداشت)

تاسیس وزارت بهداری به سال‌های بعد از ۱۳۲۰ش بر می‌گردد. تا قبل از آن، اداره‌ای به نام «اداره کل صحیه» عهده‌دار امور مربوط به بهداشت و درمان بود که زیر نظر «وزارت کشور»

۳۸. سازمان اسناد ملی ایران، شماره مدرک ۲۴۰/۳۷۲۳۰، محل در آرشیو اب‌آی ۵۰۸، آمار درآمدهای دریافتی شعبه وصول عوارض شهرداری در مازندران، سمنان، دماوند و غیره، سال ۱۳۱۹. نوشته شده به وزارت کشور از سوی اداره امور شهرداری‌ها، دفتر آمار کل درآمدهای دریافتی شعبه وصول و عوارض شهرداری‌ها.
۳۹. اطلاعات، سال ۳، شماره ۵۳۷، یکشنبه بیست و هفتم فروردین ماه ۱۳۰۷، ص ۱.
۴۰. دو سفرنامه از نیما یوشیج، ص ۱۳۳.
۴۱. تنقی سرخ، سال ۴، شماره ۷۲۲، دوشنبه دوم فروردین ۱۳۰۶، ص ۲؛ همان، سال ۳، شماره ۵۶۹، چهارشنبه بیست و نهم مرداد ۱۳۰۵، ص ۲.
۴۲. اطلاعات، سال ۱۰، ش ۲۳۸۸، سه‌شنبه ۲۵ دی ماه ۱۳۱۳، ص ۱؛ همان، سال ۱۵، شماره ۴۱۷۶، دوشنبه شانزدهم اردیبهشت ماه ۱۳۱۹، ص ۳.
۴۳. همان، سال ۹، شماره ۲۲۵۸۰، سه‌شنبه شانزدهم مرداد ماه ۱۳۱۳، ص ۳؛ همان، سال ۹، شماره ۲۲۰۰، چهارشنبه نهم خرداد ماه ۱۳۱۳، ص ۲؛ همان، سال ۱۵، شماره ۴۱۷۶، دوشنبه شانزدهم اردیبهشت ماه ۱۳۱۹، ص ۳.
۴۴. همان، سال ۵، شماره ۱۸۱۱، یکشنبه بیست و ششم مردادماه ۱۳۰۹، ص ۱.

اداره می‌شد^{۴۵} و یکی از ابزارهای حکومت شبه‌مدرن پهلوی برای گسترش اقتدار خود در حوزه بهداشت و سلامت مردم بود. تا پیش از این دوره، امور بهداشتی و اوضاع درمانی در مازندران وضعیت مطلوبی نداشت. ناآگاهی مردم در رعایت بهداشت فردی، استفاده از مکان‌های عمومی مانند حمام‌ها، بی‌توجهی «متصدیان صحی» به امور بهداشتی^{۴۶}، عدم پاکیزگی خیابان‌های شهرها و مناطق دارای بندرگاه مانند محمودآباد، مشهدسر که مکانی برای تجمع انواع کثافات به شمار می‌رفت، سبب می‌شد صدها نفر زن و مرد، فوت یا به انواع بیماری‌ها مانند مالاریا، سل، وبا، تیفوئید، دیفتری، امراض مقاربتی و اسهال^{۴۷} گرفتار شوند. با بروز بیماری گاوگیری در مازندران و سرایت آن به چارپایان دیگر و طیورها در طول سال‌های ۱۳۰۳ و ادامه یافتن آن تا سال‌های ۱۳۰۵ و سپردن اجساد این حیوانات به آب رودخانه‌ها و استفاده اهالی از این آب‌ها، شیوع بیماری‌ها در میان مردم بیشتر شد و باعث مرگ و میر بسیاری از اهالی مازندران گردید. گذشته از کسانی که اطلاع نه چندان کاملی از امور بهداشتی داشتند، بیشتر پزشکان، از اقلیت‌های دینی بودند که در کنار فروشندگان گیاهان سنتی و دارویی^{۴۸} و نیز سلمانی‌ها^{۴۹} و حمامی‌ها به عنوان طبیبان بومی به درمان بیماری مردم اشتغال داشتند.^{۵۰}

پس از روی کار آمدن دولت شبه‌مدرن رضاشاه، توجه به وضعیت بهداشتی و درمانی مردم در ایالت‌های مختلف در دستور کار قرار گرفت. در این راستا، مریض‌خانه‌ها در شهرهای مختلف از جمله مازندران به کمک اداره کل صحی، بلدیة و شیر و خورشید تاسیس شد. نیاز به مراکز بهداشتی مورد توجه اهالی نیز بود، به طوری که مردم در ساخت مریض‌خانه و برقرای بهداشتی حاضر به مساعدت‌های مالی بودند. مردم شهر تنکابن در سال ۱۳۰۴، اعلام کرده بودند که حاضرند هر پوط،^{۵۱} ۵ شاهی از واردات و صادرات شهر خود را به امور صحی و معارفی اختصاص

۴۵. محمد رسول آهنگران، *اصلاحات اقتصادی رضاخان و تاثیر عوامل خارجی* (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰)، ص ۱۰۴ - ۱۰۳.

۴۶. *آینده ایران*، سال ۳، شماره ۸۰، شنبه اول دی ماه ۱۳۱۳، ص ۴.

۴۷. *ستاره ایران*، سال ۱۲، یکشنبه بیست و هفتم فروردین ماه ۱۳۰۶، ص ۳.

۴۸. سیدباقر خاوری، *یادنامه‌ها* (ساری: مرکز پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۴)، ص ۲۴.

۴۹. *ستاره ایران*، سال ۱۲، شماره ۱۱، جمعه ۱۶ دیماه ۱۳۰۵، ص ۳.

۵۰. *آینده ایران*، سال ۳، شماره ۸۰، شنبه اول دی ماه ۱۳۱۳، ص ۴.

۵۱. وزنی معادل پنج من و نیم تبریز و برای مالیات استفاده می‌شود.

دهند. در این بین، شهرهای اشرف و شاهی دارای بیمارستان ۵۰ تخت‌خوابه^{۵۲} و ساری دارای بیمارستان ۲۸ تخت‌خوابه^{۵۳} شدند. در آمل، دکتر حسین‌خان نوایی، رئیس صحنه شهر بود و به امور بهداشتی و درمانی مردم توجه داشت. او در هنگام ساخت مرخص‌خانه آمل، جمعی از رؤسای دوائر را به مجلسی دعوت کرد و در زمینه لزوم ساختمان مرخص‌خانه در این شهر سخن گفت و خود مبلغ ۱۰۰۰ ریال کمک کرد. سایر گروه‌ها نیز مبالغی را اهدا کردند.^{۵۴} در آذر ۱۳۱۲ نیز بار دیگر تهیه مبالغی برای تأمین هزینه‌های ساختمان مرخص‌خانه آمل تکرار و در این راستا مبالغی دوباره جمع‌آوری شد.^{۵۵}

بابل و شیرگاه دارای بیمارستان ۳۰ تخت‌خوابه^{۵۶} و پل سفید و فیروزکوه هرکدام صاحب یک بیمارستان ۳۰ تخت‌خوابه^{۵۷} شدند. مرخص‌خانه‌های تنکابن^{۵۸} و چالوس در سال ۱۳۱۸^{۵۹} تأسیس شد و پزشکان و جراحان آشنا با طب جدید برای این مرخص‌خانه‌ها فرستاده شدند. لازم به ذکر است که اطلاعات کاملی درباره نحوه عملکرد همه مرخص‌خانه‌های افتتاح شده در مازندران این دوره و همچنین میزان رضایت‌مندی مردم وجود ندارد. در بابل، دو باب مرخص‌خانه ساخته شد. اول، مرخص‌خانه بلدی و دیگری، مرخص‌خانه‌ای که به همت جمعیت شیر و خورشید سرخ بابل تأسیس شد و قرارداد ساختمان آن به مهندس مسیو مارکف داده شده و اعتبار لازم برای ساختمان آن نیز ده هزار بود.^{۶۰} این مرخص‌خانه که در سال ۱۳۱۲ افتتاح شد، ریاست آن را

۵۲. ستاره/ایران، سال ۱۳، شماره ۲۶۹۵، شانزدهم آذر ماه ۱۳۱۲، ص ۲.

۵۳. اطلاعات، سال ۹، شماره ۲۲۵۰، سه‌شنبه نهم مرداد ماه ۱۳۱۳، ص ۳.

۵۴. همان، سال ۸، شماره ۲۰۰۵، یکشنبه دوم مهرماه ۱۳۱۲، ص ۲.

۵۵. همان، سال ۸، شماره ۲۰۷۸، یکشنبه بیست و ششم آذرماه ۱۳۱۲، ص ۲؛ همان، سال ۱۵، شماره ۴۳۳۳،

یکشنبه بیست و یکم مهرماه ۱۳۱۹، ص ۸.

۵۶. شفق سرخ، سال ۶ شماره ۸۵۵، یکشنبه چهاردهم آبان ماه ۱۳۰۶، ص ۲؛ اطلاعات، سال ۱۲، شماره ۳۳۰۸،

چهارشنبه نوزدهم آبان ماه ۱۳۱۶، ص ۴.

۵۷. اطلاعات، سال ۱۲، شماره ۳۳۰۸، چهارشنبه نوزدهم آبان ماه ۱۳۱۶، ص ۴.

۵۸. شفق سرخ، سال ۴، شماره ۳۱۸، شانزدهم فروردین ماه ۱۳۰۴، ص ۲؛ اطلاعات، سال ۱۱، شماره ۲۹۳۲،

یکشنبه نوزدهم مهر ماه، ۱۳۱۵، ص ۲؛ همان، سال ۷، شماره ۱۸۸۸، پنج‌شنبه بیست و هشتم اردیبهشت ماه ۱۳۱۲،

ص ۲.

۵۹. جواد نوشین، چالوس: اوضاع تاریخی، سیاسی، اقتصادی و جغرافیایی شهرستان چالوس (تهران: طهوری،

۱۳۵۴)، ص ۹۴.

۶۰. شفق سرخ، سال ۷، شماره ۱۰۲۴، سه‌شنبه هفتم مرداد ماه ۱۳۰۷، ص ۲.

آقای دکتر خصوصی بر عهده داشت. این مریض‌خانه تنها مریض‌خانه مجهز به امکانات پزشکی بود.^{۶۱} علاوه بر اهالی استان، کارگران راه آهن سراسری در مازندران نیز خواستار تأسیس مریض‌خانه بودند. باید یادآوری کرد که کارگران بسیاری در طول مدت زمان ساخت راه آهن، در پی مصدومیت ناشی از کار و یا بیماری و فقدان مریض‌خانه‌ای که بتواند به مداوای آنها بپردازد، جان خود را از دست داده بودند. با تلاش‌های فراوان کارگران، مریض‌خانه‌ای برای آنها برپا شد. اما بنا به ادعای بیش از ۳۰ تن از آنان، این مریض‌خانه قابلیت بازتوانی نداشت، زیرا در اغلب موارد پزشک معالج در آنجا حاضر نبود و از طرف دیگر هزینه‌های درمان نیز بسیار بالا بود.^{۶۲} بنا بر درخواست حاکم مازندران، پزشکان حاذق برای درمان مردم روانه مازندران شدند.^{۶۳} یکی از اقدامات انجام شده برای مقابله با بیماری‌های واگیردار در شهرهای ایران و مازندران، انجام عملیات آبله‌کوبی در میان مردم شهرها و روستاها بود که سابقه ورود آن به ایران به عصر فتحعلی‌شاه قاجار می‌رسید. در این راستا پزشکان در شهرهای مختلف مازندران، نظیر فیروزکوه، آمل، بابل، ساری، شهسوار، اشرف و مشهدسر به آبله‌کوبی مشغول بودند.^{۶۴} در کنار آبله‌کوبی باید به تلاش اداره صحتیه در مبارزه با بیماری مسری مالاریا نیز اشاره نمود. مالاریا یک بیماری انگلی و عفونتی است که سالانه باعث مرگ بسیاری از مردم مازندران می‌شد. به همین دلیل برای مبارزه با آن پزشکان به شهرها و مناطق مختلف رامسر، آمل، رانکوه، شیرود، عباس‌آباد، خرم‌آباد، نشتارود و سیا رستاق اعزام می‌شدند.^{۶۵} در کنار برقراری بهداری‌ها در شهر، در این دوره پزشکان سیار نیز فعالیت می‌کردند که به رامسر، نوشهر، مشهدسر، شهسوار، نور، کجور، رستم‌رود، تمیشان و روستاهای دود دزدک، کلاتو، صلاح‌الدین، سکا توک و امیرکلا رفته و به معالجه بیماران می‌پرداختند.^{۶۶}

۶۱/ اطلاعات، سال ۱۰، شماره ۲۵۴۵، یک‌شنبه ۵ مردادماه ۱۳۱۴ ص ۱.

۶۲/ نوری، ص ۲۶۳، سند ۱۱۱.

۶۳/ وزارت امور خارجه، کارتن ۳۵، پوشه ۶۸ سند ۱، سال ۱۳۰۵.

۶۴/ اطلاعات، سال ۶ شماره ۱۳۰۷، دوشنبه ششم اردیبهشت ماه ۱۳۱۰، ص ۴؛ همان، سال ۳، شماره ۷۵۶،

چهاردهم اردیبهشت ۱۳۰۸، ص ۲.

۶۵/ همان، سال ۱۲، شماره ۳۲۷۲، دوشنبه نوزدهم فروردین ماه ۱۳۱۶، ص ۲.

۶۶/ همان، سال ۵، شماره ۱۲۹۲، شنبه نوزدهم فروردین ماه ۱۳۱۰، ص ۳؛ همان، سال ۱۰، شماره ۲۵۵۳،

چهارشنبه پانزدهم مردادماه ۱۳۱۴، ص ۴؛ همان، سال ۱۰، شماره ۲۶۵۲، سه‌شنبه یازدهم آذر ماه ۱۳۱۴، ص ۴؛ همان،

سال ۱۱، شماره ۳۱۲۷، پنجشنبه هفدهم اردیبهشت ماه ۱۳۱۶، ص ۳.

در سال ۱۳۰۸، اتاق تجارت ساری در کنار بلدیه این شهرستان، درصدد ایجاد یک باب داروخانه در این شهر برآمد.^{۶۷} در سال ۱۳۱۱، از طرف اداره کل صحیه، موسسات بهداشتی در مبارک‌آباد و آبدلی برای نظارت بر قسمت بطری پرکنی کارخانه آب‌معدنی برقرار شد.^{۶۸} در مرداد ۱۳۱۵، جمعی از محصلین دانشکده طب، تحت ریاست دکتر سیمن، بر ضد بیماری‌های مقاربتی در مازندران دست به فعالیت زدند.^{۶۹} همچنین در حین بازدید و سرکشی از امور بهداشتی در مازندران توسط مقامات حکومتی و رئیس اداره صحیه کشور، به امور حمام‌ها نیز توجه شد، چراکه خزان‌های حمام‌ها خود یکی از عواملی بود که باعث گسترش بیماری در بین مردم می‌شد.^{۷۰} و فرد بیمار که از خزان حمام استفاده می‌کرد، این بیماری را به دیگری منتقل می‌نمود. در راستای مبارزه با این عامل، از طرف اداره‌های صحیه، در شهرها برای حمام‌ها به جای خزان، دوش در نظر گرفته شد.^{۷۱} بلدیه‌ها نیز نقش مهمی را در پاکیزه نمودن خیابان‌های شهر بر عهده داشتند که به تدریج در این دوران در شهرهای ساری،^{۷۲} بابل،^{۷۳} آمل، فیروزکوه، رامسر، مشهدسر، شهبسوار و شاهی تاسیس شده بودند.^{۷۴}

یکی از مهم‌ترین اقدامات دولت پهلوی در راه آگاه ساختن مردم به مسائل بهداشتی، انتخاب موضوعات پزشکی به عنوان موضوع سخنرانی‌ها در کنفرانس‌هایی بود که با نظارت دولت و به وسیله پزشکان و بهداری انجام می‌گرفت. از معروف‌ترین سخنرانان در این زمینه، دکتر خلیل نوایی بود که در دبستان شهر شاهی، در زمینه راه‌های جلوگیری از بیماری مالاریا و لزوم رعایت نمودن بهداشت فردی سخن‌رانی کرد.^{۷۵} با این حال، رواج بیماری‌ها و کمبود کادر پزشکی در شهرها مشاهده می‌شد. در شکوائیه‌ای که اهالی مشهدسر (در تاریخ ۱۰ مهر ماه ۱۳۱۱) به عدل‌الملک رئیس مجلس ارسال نمودند، به اخراج دانش‌آموزان از مدارس این شهر که

۶۷. همان، سال ۴، شماره ۸۸۶، بیست و سوم مهر ماه ۱۳۰۸، ص ۳.

۶۸. همان، سال ۱۱، شماره ۲۸۵۲، پنجشنبه اول مردادماه ۱۳۱۵، ص ۴.

۶۹. همان، سال ۱۱، شماره ۲۸۳۸، پنج‌شنبه هجدهم تیرماه ۱۳۱۵، ص ۴.

۷۰. ستاره/ایران، سال ۱۲، شماره ۱۳۲، شنبه بیست اسفند ماه ۱۳۰۵، ص ۲.

۷۱. شفق سرخ، سال ۷، شماره ۱۰۸۸، پنج‌شنبه دهم آبان ماه ۱۳۰۷، ص ۲.

۷۲. اطلاعات، سال ۳، شماره ۵۹۱، نوزدهم شهریور ماه ۱۳۰۷، ص ۲.

۷۳. شفق سرخ، سال ۴، شماره ۷۲۲، دوشنبه دوم فروردین ماه ۱۳۰۶، ص ۲.

۷۴. همان، سال ۷، شماره ۱۰۸۵، یک‌شنبه سوم آبان ماه ۱۳۰۷، ص ۲.

۷۵. تعلیم و تربیت، سال ۶، شماره ۲، اردیبهشت ماه ۱۳۱۵، ص ۱۱۵.

به بیماری کچلی گرفتار بودند، اعتراض شده است. طبق این سند، علت این بیماری، معاشرت‌ها، آب‌های حمام و عدم مراعات بوده و «اولیای آن‌ها پریشان و بی‌چیز» بودند به گونه‌ای که «اگر یک روز اوقات خود را برای مراجعه به طبیب صرف نمایند باید گرسنه بمانند.» همچنین این بندر (مشهدسر) «طبیب صحیه» و بلدیة نداشت و صرفاً یک نفر طبیب حضور داشت که به بیماران نمی‌توانست رسیدگی نماید. در پایان درخواست می‌نمایند تا برای این کودکان مدرسه‌ی مخصوص ایجاد کنند، یا در مدرسه‌ی قبلی به ادامه تحصیل مشغول شوند تا به تدریج به معالجه‌ی آن‌ها بپردازند تا سرانجام «تمام ملت ایران به عناوین مختلفه از خرمن فیوضات!! آن پدر!! تاجدار خوشه بر می‌دارند» بی‌نصیب نمانند.^{۷۶} در پاسخ به این عریضه (بیش از یک ماه پس از تقاضای اهالی، یعنی در ۱۵ آبان ۱۳۱۱)، وزارت معارف طی نامه‌ای به اداره صحیه، تاسیس مدرسه جداگانه برای کودکان مبتلا به بیماری کچلی را مقدور ندانسته و ضمن اجازه ندادن به ادامه‌ی تحصیل، تنها چاره را در اعزام پزشک دیگری به مشهدسر اعلام نمود.^{۷۷}

در دوران رضاشاه در کنار فعالیت‌های اداره صحیه در شهرها، جمعیت شیر و خورشید سرخ نیز فعالیت خود را آغاز نمود. جمعیت شیر و خورشید از یادگارهای ملیون در سال‌های انقلاب مشروطه به شمار می‌رفت که ریاست آن را مشارالدوله بر عهده داشت و وظیفه‌ی آن درمان زخمی‌ها و بیماران جنگی بود.^{۷۸} دامنه فعالیت‌های مدنی و اجتماعی آنها در دوره حکومت پهلوی اول، با اقداماتی مانند جمع‌آوری اعانه برای بی‌سرپرستان و یتیمان، ساختن بیمارستان، درمانگاه، کمک به سیل‌زدگان و زلزله‌زدگان و غیره، گسترش پیدا کرده بود. در طول این سال‌ها، جمعیت شیر و خورشید سرخ، در شهرهای مختلف مشهدسر،^{۷۹} اشرف، ساری،^{۸۰} بابل،^{۸۱} آمل، شاهی، شهسوار^{۸۲} و تنکابن^{۸۳} برقرار شدند و به همت شیر و خورشید، با جمع‌آوری اعانه، «دارالعجزه‌ای» برای فقیران در شهرها تاسیس شد که در بین این پرداخت کنندگان، باید به کنسول شوروی و

۷۶. نوری، ص ۲۴۷ - ۲۴۸، ۱۰۳/۱.

۷۷. همان، ص ۲۴۹، سند ۱۰۳/۲.

۷۸. جعفر نیایی و پوراندخت حسین‌زاده، *بابل (شهر زیبای مازندران)* (تهران: رامرنگ، ۱۳۷۹)، ص ۲۷۲.

۷۹. *اطلاعات*، سال ۳، شماره ۷۵۳، شنبه دهم اردیبهشت ۱۳۰۸، ص ۲.

۸۰. همان، سال ۵، شماره ۱۲۹۸، یکشنبه بیست و پنجم فروردین ماه ۱۳۱۰، ص ۲.

۸۱. نیایی، ص ۲۷۱.

۸۲. *شفق سرخ*، سال هشتم، شماره ۱۲۲۳، یکشنبه دوازدهم خرداد ماه ۱۳۰۸، ص ۳.

۸۳. همان، سال هشتم، شماره ۱۲۷۰، یکشنبه سیزدهم مرداد ماه ۱۳۰۸، ص ۳.

نیز رئیس بانک ملی بارفروش اشاره کرد که در دی ماه سال ۱۳۰۸، در کنار تجار و اعیان از پرداخت‌کنندگان اعانه برای ساختن دارالایتام در شهر بارفروش بودند.^{۸۴} حتی جمعیت شیر و خورشید در صدد برآمد، مبلغ صدی ۵ موقوفات را برای تاسیس «دارالعجزه» استفاده کند.^{۸۵} در سال ۱۳۰۸، طوایف مختلف آمل، مانند نیاکی‌ها: ۳۱۵۵ قران، اسکی: ۵۳۰، مشایی: ۳۰۰، آملی: ۹۱۵، شاهاندشتی: ۴۱۰، عراقی: ۳۷۰، دیلارستاقی: ۳۱۵، نوایی: ۳۱۵، بهرستاقی: ۳۹۰، ایرایی: ۱۳۰ و سایر طوایف، مبلغ ۵۳۵ قران برای کمک به فقیران آمل به جمعیت شیر و خورشید آمل کمک کردند.^{۸۶} یکی دیگر از اقدامات شیر و خورشید در کنار جمع‌آوری اعانه برای مردم شهرهای خود، جمع‌آوری اعانه برای کمک به زلزله‌زدگان و سیل‌زدگان شهرهای دیگر نیز بود. در سال ۱۳۰۸ به دنبال وقوع زلزله در خراسان، مردم شهر شهبسوار مبلغ ۴۰۰ تومان برای کمک به زلزله‌زدگان خراسان، به جمعیت شیر و خورشید شهبسوار کمک کردند.^{۸۷} همچنین در شهریور ۱۳۱۳، به نفع سیل‌زدگان تبریز، نمایشی در شهر ساری برگزار و عایدات آن که مبلغ ۲۵۰۰ قران بوده است، برای زلزله‌زدگان فرستاده شد.^{۸۸}

نتیجه‌گیری

در دوره پهلوی اول و در طی جریان نوسازی که حکومت داعیه آن را داشت، سر و سامان دادن به نظم و انضباط عمومی در شهرها، اقبال به برپایی بلدیه‌ها را بالا برد. در راستای رسیدن به این هدف، از سوی حکومت و نیز درخواست اهالی مازندران، بلدیه‌ها در برخی از شهرهای این استان (البته نه با شتاب یکسان) برپا شدند. این مراکز، اقداماتی را برای پایان دادن به آشفتگی شهرها انجام دادند، که به دلیل کمبود اعتبار لازم، انجام مستمر و منظم این فعالیت‌ها مانند انجام عملیات نظافت، رسیدگی کامل به امور نوانخانه، مریضخانه و غیره را که از سوی موسساتی از جمله بلدیه‌ها برپا شده بود، با مشکل روبرو نمود و باعث نارضایتی بسیار مردم

۸۴ / اطلاعات، سال ۵، شماره ۱۲۹۸، یکشنبه شانزدهم فروردین ماه ۱۳۱۰، ص ۲.

۸۵ / شفق سرخ، سال ۸، شماره ۱۲۰۲، دوشنبه شانزدهم اردیبهشت ماه ۱۳۰۸، ص ۳؛ اطلاعات، سال ۴، شماره

۹۴۷، بیست و دوم دی ۱۳۰۸، ص ۳.

۸۶ / شفق سرخ، سال ۸، شماره ۱۲۲۶، پنجشنبه شانزدهم خرداد ماه ۱۳۰۸، ص ۳.

۸۷ / همان. سال ۸، شماره ۱۲۲۷، پنجشنبه، شانزدهم خرداد ماه ۱۳۰۸، ص ۳.

۸۸ / اطلاعات، سال ۹، شماره ۲۲۸۴، یکشنبه هجدهم شهریورماه ۱۳۱۳، ص ۳.

مازندران از عملکرد مورد انتظار آنها شد. مدرن‌سازی بهداشتی - درمانی، نیز اقدامی در راستای بالابردن سطح بهداشت مردم استان‌های مختلف کشور از جمله مازندران بود و با رشد تدریجی آگاهی فکری، تقاضا برای تامین امکانات لازم به منظور حفظ ارزنده‌ترین دارایی انسان یعنی سلامتی افزایش پیدا کرد. دانشجویانی که از رشته پزشکی و رشته‌های وابسته به آن فارغ-التحصیل شده بودند، در راستای نوسازی بهداشتی به کار گرفته شدند، اما تعدادشان برای استان پرجمعیت مازندران که اهالی آن با انواع بیماری‌ها درگیر بودند، کافی نبود. در طی این مدت، تنها چند شهر از شهرهای مازندران، دارای بیمارستان‌هایی شدند که نه تنها امکان دسترسی آسان و راحت به آن، برای همه مردم ممکن نبود، بلکه امکانات محدودی در زمینه پذیرش و درمان بیماران داشت. در این بین، صحنه مازندران نیز درصدد بود بیماری‌ها، از جمله بیماری‌های مسری و عوامل بیماری‌زا کنترل شوند. با وجود این، اگرچه در راستای اصلاحات بهداشتی، در کشور و در مازندران خصوصا، گام‌هایی برداشته شد و در وضعیت بهداشتی - درمانی مردم نسبت به دوران قبل، بهبودی محسوسی حاصل گردید، اما از آنجا که قسمت اعظم بودجه کشور به امور نظامی و صنعتی اختصاص پیدا می‌کرد، مجال به تخصیص سرمایه قابل توجه را در دیگر شاخه‌های اصلاحات، به‌ویژه در عرصه بهداشت و درمان که با جان انسان‌ها سر و کار داشت، باقی نگذاشت و این خود باعث نارضایتی مردم از اداره صحنه و عملکرد محدود آن در زمینه بهداشت و درمان در مازندران می‌شد.

کتاب‌نامه

آهنگران، محمد رسول. *اصلاحات اقتصادی رضاخان و تاثیر عوامل خارجی*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰.

اعتماد السلطنه، محمد حسن‌خان. *تاریخ منتظم ناصری*. به کوشش محمد اسماعیل رضوانی. ج ۳. تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۷.

ترکمان، اسکندربیگ. *تاریخ عالم‌آرای عباسی*. زیر نظر ایرج افشار. تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۲.
جنابدی، میرزا بیگ. *روضه الصفویه*. غلامرضا طباطبایی مجد. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۷۸.

چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه. به کوشش ایرج افشار. تعلیقات حسین محبوبی اردکانی. تهران: اساطیر، ۱۳۷۴.

حیبی، سید محسن. *از سار تا شهسور*. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.

- حسینی خاتون آبادی، سید عبدالحسین. **وقایع السنین و الاعوام**. به تصحیح محمدباقر بهبودی. تهران: کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۵۲.
- خاوری، سیدباقر. **یادنامه‌ها**. ساری: مرکز پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۴.
- دو سفرنامه از نیما یوشیج**. به اهتمام علی میرانصاری. تهران: سازمان اسناد ملی، پژوهشکده اسناد. ۱۳۷۹.
- راوندی، مرتضی. **تاریخ اجتماعی ایران**. تهران: انتشارات نگاه، ۱۳۸۲.
- سالور، قهرمان میرزا. **روزنامه خاطرات عین‌السلطنه**. به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار. تهران: اساطیر، ۱۳۷۴.
- سایکس، سرپرسی. **تاریخ ایران**. ترجمه سید محمدتقی فخر داعی گیلانی. تهران: افسون، ۱۳۸۰.
- عبادی، موسی. **شهرداران عصر ناصری تا دولت خاتمی**. بی‌جا: نشر خرم، ۱۳۸۷.
- عطاری کرمانی، عباس. **تاریخ شهرهای ایران**. تهران: الیسم، ۱۳۸۶.
- فراهانی، حسن. **روزشمار تاریخ معاصر ایران**. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۵.
- قزوینی میرزا محمد طاهر وحید. **تاریخ جهان‌آرای عباسی**. سید سعید میرمحمد صادق. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۳.
- کروینسکی، یوداش تادیوش. **ده سفرنامه**. ترجمه مهرباب امیری. تهران: انتشارات وحید، ۱۳۶۹.
- لاکهارت، لارنس. **انقراض سلسله صفویه**. ترجمه اسماعیل دولتشاهی. تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳.
- محبوبی اردکانی، حسین. **تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران**. تهران: دانشگاه تهران: ۲۵۳۷ شاهنشاهی.
- مرعشی، سید ظهیرالدین. **تاریخ طبرستان و رویان و مازندران**. به کوشش محمدحسین تسییحی. تهران: مؤسسه مطبوعاتی شرق، ۱۳۴۵.
- معمدی، محسن. **جغرافیای تاریخی تهران**. تهران: نشر دانشگاهی، ۱۳۸۵.
- ناصرالدین‌شاه قاجار. **روزنامه سفر مازندران**. ایرج افشار. تهران: انتشارات فرهنگ ایران زمین، ۲۵۳۶.
- نوری، مصطفی. **اسناد مازندران در دوره رضا شاه (مجلس ششم تا دوازدهم شورای ملی)**. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای ملی، ۱۳۸۹.
- نوشین، جواد. **چالوس: اوضاع تاریخی سیاسی. اقتصادی و جغرافیای شهرستان چالوس**. تهران: طهوری، ۱۳۵۴.

نیای، جعفر و پوراندخت حسین زاده. **بابل (شهر زیبای مازندران)**. تهران: رامرنگ. ۱۳۷۹.

اسناد

سازمان اسناد ملی ایران. شماره مدرک ۲۴۰۰۰۳۷۲۳۰. محل در آرشیو. به تاریخ ۱۳۱۹/۷/۲۸.
اسناد وزارت امور خارجه. کارتن ۳۵. پوشه ۶۸ سند ۱. سال ۱۳۰۵.

مجلات

سالنامه رسمی مملکتی. تهران: مؤسسه علمی و فرهنگی. ۱۳۶۸.
مجله اتاق تجارت. سال ۴. شماره ۵۷. اول اسفند ماه ۱۳۱۱.

نشریات

- آینده ایران**. سال ۳. شماره ۸۰. شنبه اول دی ماه ۱۳۱۳.
اطلاعات. سال ۱۰. ش ۲۳۸۸. سه شنبه ۲۵ دی ماه ۱۳۱۳.
_____ . سال ۱۰. شماره ۲۳۷۶. پنجشنبه چهاردهم دی ماه ۱۳۱۳.
_____ . سال ۱۰. شماره ۲۵۵۳. چهارشنبه پانزدهم مردادماه ۱۳۱۴.
_____ . سال ۱۱. شماره ۲۸۳۸. پنجشنبه هیجدهم تیرماه ۱۳۱۵.
_____ . سال ۱۱. شماره ۲۹۳۲. یکشنبه نوزدهم مهر ماه. ۱۳۱۵.
_____ . سال ۱۱. شماره ۲۸۵۲. پنجشنبه اول مردادماه ۱۳۱۵.
_____ . سال ۱۱. شماره ۳۱۲۷. پنجشنبه هفدهم اردیبهشت ماه ۱۳۱۶.
_____ . سال ۱۲. شماره ۳۲۷۲. دوشنبه نوزدهم فروردین ماه ۱۳۱۶.
_____ . سال ۱۲. شماره ۳۳۰۸. چهارشنبه نوزدهم آبان ماه ۱۳۱۶.
_____ . سال ۱۵. شماره ۴۳۳۳. یکشنبه بیست و یکم مهرماه ۱۳۱۹.
_____ . سال ۱۵. شماره ۴۱۷۶. دوشنبه شانزدهم اردیبهشت ماه ۱۳۱۹.
_____ . سال ۳. شماره ۵۹۱. نوزدهم شهریور ماه ۱۳۰۷.
_____ . سال ۳. شماره ۵۳۷. یکشنبه بیست و هفتم فروردین ماه ۱۳۰۷.
_____ . سال ۳. شماره ۷۳۴. پانزدهم فروردین ۱۳۰۸.
_____ . سال ۳. شماره ۷۵۳. شنبه دهم اردیبهشت ۱۳۰۸.
_____ . سال ۳. شماره ۷۵۶. چهاردهم اردیبهشت ۱۳۰۸.
_____ . سال ۴. شماره ۸۰۲. سیزدهم تیرماه ۱۳۰۸.
_____ . سال ۴. شماره ۸۸۶. بیست و سوم مهر ماه ۱۳۰۸.

- _____ سال ۵. شماره ۱۲۹۲. شنبه نوزدهم فرودین ماه ۱۳۱۰.
- _____ سال ۶. شماره ۱۳۰۷. دوشنبه ششم اردیبهشت ماه ۱۳۱۰.
- _____ سال ۷. شماره ۱۸۸۸. پنج شنبه بیست و هشتم اردیبهشت ماه ۱۳۱۲.
- _____ سال ۸. شماره ۲۰۷۸. یک شنبه بیست و ششم آذرماه ۱۳۱۲.
- _____ سال ۹. شماره ۲۲۰۰. چهارشنبه نهم خرداد ماه ۱۳۱۳.
- _____ سال ۹. شماره ۲۲۵۰. سه‌شنبه نهم مرداد ماه ۱۳۱۳.
- _____ سال ۹. شماره ۲۲۸۴. یکشنبه هجدهم شهریورماه ۱۳۱۳.
- _____ سال ۹. شماره ۲۲۹۰. شنبه بیست و چهارم شهریور ماه ۱۳۱۳.
- _____ سال ۹. شماره ۲۲۵۸. سه شنبه شانزدهم مرداد ماه ۱۳۱۳.
- _____ سال ۱۰. شماره ۲۵۴۵. یک‌شنبه ۵ مردادماه ۱۳۱۴.
- _____ سال ۱۰. شماره ۲۶۵۲. سه‌شنبه یازدهم آذر ماه ۱۳۱۴.
- _____ سال ۱۵. شماره ۴۱۷۶. دوشنبه شانزدهم اردیبهشت ماه ۱۳۱۹.
- _____ سال ۳. شماره ۷۸۸. بیست و دوم خرداد ۱۳۰۸.
- _____ سال ۵. شماره ۱۲۹۸. یکشنبه بیست و پنجم فروردین ماه ۱۳۱۰.
- _____ سال ۵. شماره ۱۸۱۱. یکشنبه بیست و ششم مردادماه ۱۳۰۹.
- _____ سال ۸. شماره ۲۰۰۵. یکشنبه دوم مهرماه ۱۳۱۲.
- تعلیم و تربیت.** سال ۶. شماره ۲. اردیبهشت ماه ۱۳۱۵.
- ستاره ایران.** سال ۱۲. یکشنبه بیست و هفتم فروردین ماه ۱۳۰۶.
- _____ سال ۱۳. شماره ۲۶۹۵. شانزدهم آذر ماه ۱۳۱۲.
- _____ سال ۱۲. شماره ۱۱. جمعه ۱۶ دیماه ۱۳۰۵.
- _____ سال ۱۲. شماره ۱۳۲. شنبه بیست اسفند ماه ۱۳۰۵.
- سفق سرخ.** سال ۳. شماره ۵۶۹. چهارشنبه بیست و نهم مرداد ۱۳۰۵.
- _____ سال ۳. شماره ۷۲۲. چهارشنبه بیستم فروردین ماه ۱۳۰۹.
- _____ سال ۴. شماره ۴۳۵. یک‌شنبه بیست اردیبهشت ماه ۱۳۰۴.
- _____ سال ۴. شماره ۷۲۲. دوشنبه دوم فروردین ۱۳۰۶.
- _____ سال ۴. شماره ۷۲۲. دوشنبه دوم فروردین ماه ۱۳۰۶.
- _____ سال ۵. شماره ۵۱۱. جمعه سی ام اردیبهشت ماه ۱۳۰۵.
- _____ سال ۶. شماره ۷۵۰. جمعه پنجم خرداد ماه سال ۱۳۰۶.
- _____ سال ۶. شماره ۸۵۵. یک‌شنبه چهاردهم آبان ماه ۱۳۰۶.
- _____ سال ۷. شماره ۱۰۸۵. یک‌شنبه سوم آبان ماه ۱۳۰۷.

- _____ . سال ۷. شماره ۱۰۸۵. یکشنبه سوم آبان ماه سال ۱۳۰۷.
- _____ . سال ۷. شماره ۱۰۸۸. پنجشنبه دهم آبان ماه ۱۳۰۷.
- _____ . سال ۸. شماره ۱۲۰۲. دوشنبه شانزدهم اردیبهشت ماه ۱۳۰۸.
- _____ . سال ۸. شماره ۱۲۲۳. یکشنبه دوازدهم خرداد ماه ۱۳۰۸.
- _____ . سال ۸. شماره ۱۲۷۰. یکشنبه سیزدهم مرداد ماه ۱۳۰۸.
- _____ . سال ۴. شماره ۳۱۸. شانزدهم فروردین ماه ۱۳۰۴.
- _____ . سال ۷. شماره ۱۰۲۴. سه شنبه هفتم مرداد ماه ۱۳۰۷.
- _____ . سال ۸. شماره ۱۲۲۶. پنجشنبه شانزدهم خرداد ماه ۱۳۰۸.
- _____ . سال ۸. شماره ۱۲۲۷. پنجشنبه. شانزدهم خرداد ماه ۱۳۰۸.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی